

ترس نتیجه عدم آگاهیست

سلاح هسته ای یکی از بزرگترین دروغهای قدرتهای جهانی

دلایلی که نشان می دهد سلاح هسته ای مطلقاً وجود ندارد

نگارنده: کرامت سلیمی

مقدمه:

در عالم مقیاس و درجه بندیها برای محور صداقت و راستی "،
مثبت بینهایت "همانقدر مذموم و ناپسند است که "منفی بینهایت"

نوشته را با این سوال آغاز میکنم که چرا هیچکس نمیتواند جامعه را اصلاح کند و عدالت را
برقرار کند؟

توزیع نامتقارن و ناعادلانه ثروت و قدرت در جهان علت بروز رفتارهای خشونت آمیز در جوامع مختلف
می باشد

واقعیت این است که زمانی می توان در جهت اصلاح جامعه گام برداشت و به سوی عدالت
اجتماعی حرکت نمود که دروغهای ابرقدرتها فاش گردد تا نشان داده شود که این ابر قدرتها
قدرت دروغین و پوشالی دارند و تنها با استفاده از عدم آگاهی و حتی نادان نگاه داشتن ملتها
قدرت دروغینشان را به جامعه باور می دهند که اگر دروغهایشان برملا شود تضعیف خواهند
شد و به دنبال آن قدرت طرفداران و سرسپردگان ابرقدرتها نیز کم خواهد شد.

بی تردید فریبکاری قویترین سلاح در زرادخانه قدرتمندان است و در هر زمانی صاحبان قدرت و مقام
برای تسلط بیشتر بر جامعه به انواع ترفندها و نیرنگها متوسل می شوند

از نگاه قدرتمندان بهترین راه برای کنترل جامعه ایجاد ترس میباشد کاری که والدین از کودکی با ما آغاز میکنند همان مسأله لولو خورخوره ، ساده ترین راهی که همیشه جواب داده است - لولو خورخوره های امروز ، بمب اتم ، گرمایش جو زمین ، موجودات فضائی ، هارپ و غیره

صاحبان قدرت و صاحبان سرمایه برای کنترل جهانیان دروغهای زیادی را به ملتها باور دادند هم دروغهای علمی و هم سیاسی و اجتماعی

مثال افشا شده ای از دروغهای سیاسی افسانه هولوکاست است که حدود 70 سال در باور ملتها بود اما سرانجام این دروغ لو رفت و تبدیل به یک افسانه کهن شد

هنگامی که افسانه هولوکاست لو رفت باعث اشفته و نگرانی شدید سازندگان این داستان و طرفدارانشان شد و همین نشان می دهد که چه هزینه هایی کرده بودند تا این دروغ بزرگ را در باور ملتها بگنجانند

در مورد دروغهای علمی نیز داستان همین است وقتی اطلاعات غلط در ذهن افراد ریخته شود در تجزیه و تحلیل موضوعات دچار مشکل و در نهایت باعث تحلیل رفتن انرژی مغزی شده و راحتتر مهندسی و هدایت ذهن شده و در مسیر خواسته قدرتمندان جهان قرار می گیرند

از زمانی که نفت و گاز کشف گردید عده ای این منابع خدادادی را که باید همه از آن بهره میبردند در انحصار خود و گروههای طرفدار خود گرفته و بقیه را سرکوب کرده و دهان آنها را بستند

اما این رسم دیرینه تاریخ است که اگر دهانها بسته شود دستها به سوی اسلحه خواهد رفت

بنا به همین رسم قدیمی جنبشهای سیاسی و مسلحانه در نقاط مختلف جهان آغاز شد اما صاحبان قدرت و صاحبان سرمایه افراد مورد نظر خودشان را به عنوان مبارز و رهبر ازادیخواهان به این جنبشها نفوذ داده و نتیجه این جنبشها درگیری داخلی در همان جنبش بود و یا اینکه در راستای منافع سردمداران جهانی عمل میکردند

نمونه بارز این موضوع نلسون ماندلا است که سابقه وی را سیاهه ای از شرارت عملیتهای تروریستی و خیانت به یارانش تشکیل میداد اما رسانه های وابسته به قدرتهای جهانی از وی یک قهرمان ساختند که به خاطر سیاه پوستان افریقا 27 سال زندان را تحمل کرده است

امریکا برای حاکم شدن بر جهان دروغهای زیادی را در راستای قدرت بلامنازع جهان بودن تحویل جهانیان داد و نمایش نامه های زیادی را اجرا کرد وفیلمهای زیادی را ساخت تا به جهانیان ترس و وحشت از بمب اتم را القا کند . همچون بحران موشکی کوبا و بحران درگیری بین چین و شوروی و از این نوع بحرانهای ساختگی . در حالی که شواهد و قرائن زیادی در دست است که بمب اتم وجود خارجی ندارد و فقط برای ترساندن مردم دنیا ان را عنوان می کنند.

همانطور که در کودکی ما را از چیزهایی همچون " اقا گرگه " و " هاپو " و " لولو " و این جور چیز ها میترساندند که هیچکدام واقعی نیست و فقط برای کنترل بچه بود ابرقدرتها نیز برای ترساندن و کنترل ملتها دروغهایی همچون بمب اتم و هارپ و سلاح نوترونی و یوفو و مثلث برمودا و اینجور چیزها را مطرح کردند.

همین اخباری که در باره کره شمالی، مواضع ضعیف امریکا و بی اعتبار بودن تهدیدات نظامی امریکا، داستان پایان ناپذیر انرژی هسته ای و منتشر نموده اند نشان می دهد که امریکا یک ابر قدرت واقعی نیست و با دروغ و حقه بازی و کمک کشورها و سازمانهای هوچی گر خود را ابر قدرت جا زده است موضع ضعف امریکا در برابر کره شمالی و اخیراً "پیشنهاد امریکا برای مذاکره با کره شمالی مشخص می کند که امریکا سلاحی به نام بمب اتمی ندارد و خیالیست

این مقاله در دو قسمت دلایل سیاسی-اجتماعی و دلایل علمی برای اثبات عدم وجود سلاح اتمی و خیالی بودن آن تدوین شده است

امیدوارم این مقاله اولین میخ را بر تابوت دروغ بودن سلاح هسته ای بکوبد و همینطور بر تابوت سایر دروغهایی از این دست .

بخش اول: دلایل اجتماعی --- سیاسی

مهمترین و اصلی ترین موضوعی که قدرتهای جهانی و رسانه های وابسته به آنها برای وانمود به وجود سلاحی مخوف و ترسناک به نام بمب اتمی و گنجاندن آن در باورملتها از آن نهایت استفاده را کردند قضایای هیروشیما و ناکازاکی می باشد

تا قبل از جنگ جهانی دوم اکثر خانه های مردم ژاپن از چوب، پلاستیک و یونیلیت ساخته شده بود و این خانه ها در برابر بمبارانها بسیار ضعیف بودند اگر در یک نقطه بمباران صورت می گرفت آتش سرایت می کرد و خانه های زیادی را از بین می برد

در طی جنگ جهانی دوم فقط هیروشیما و ناکازاکی نابود نشدند بلکه حدود 60 شهر ژاپن مانند هیروشیما و ناکازاکی آسیب دیدند و سوختند، از جمله توکیو پایتخت ژاپن.

بعضی از افراد و رسانه ها برای باور وجود سلاح هسته ای فقط چسبیده اند به قضیه هیروشیما و ناکازاکی و بدون آنکه تحقیق کنند آنچه را گفته شده می پذیرند و نمی خواهند فکر کنند که نابودی شهرهای هیروشیما و ناکازاکی که عمدتاً از چوب و پلاستیک و مواد پلیمری بودند با یک بمباران معمولی یا بمباران ناپالم هم امکانپذیر است و برای ایجاد احساس وحشت در دل ملتها وانمود به نابودی این دو شهر با یک سلاح خیالی به نام بمب اتمی کرده اند.

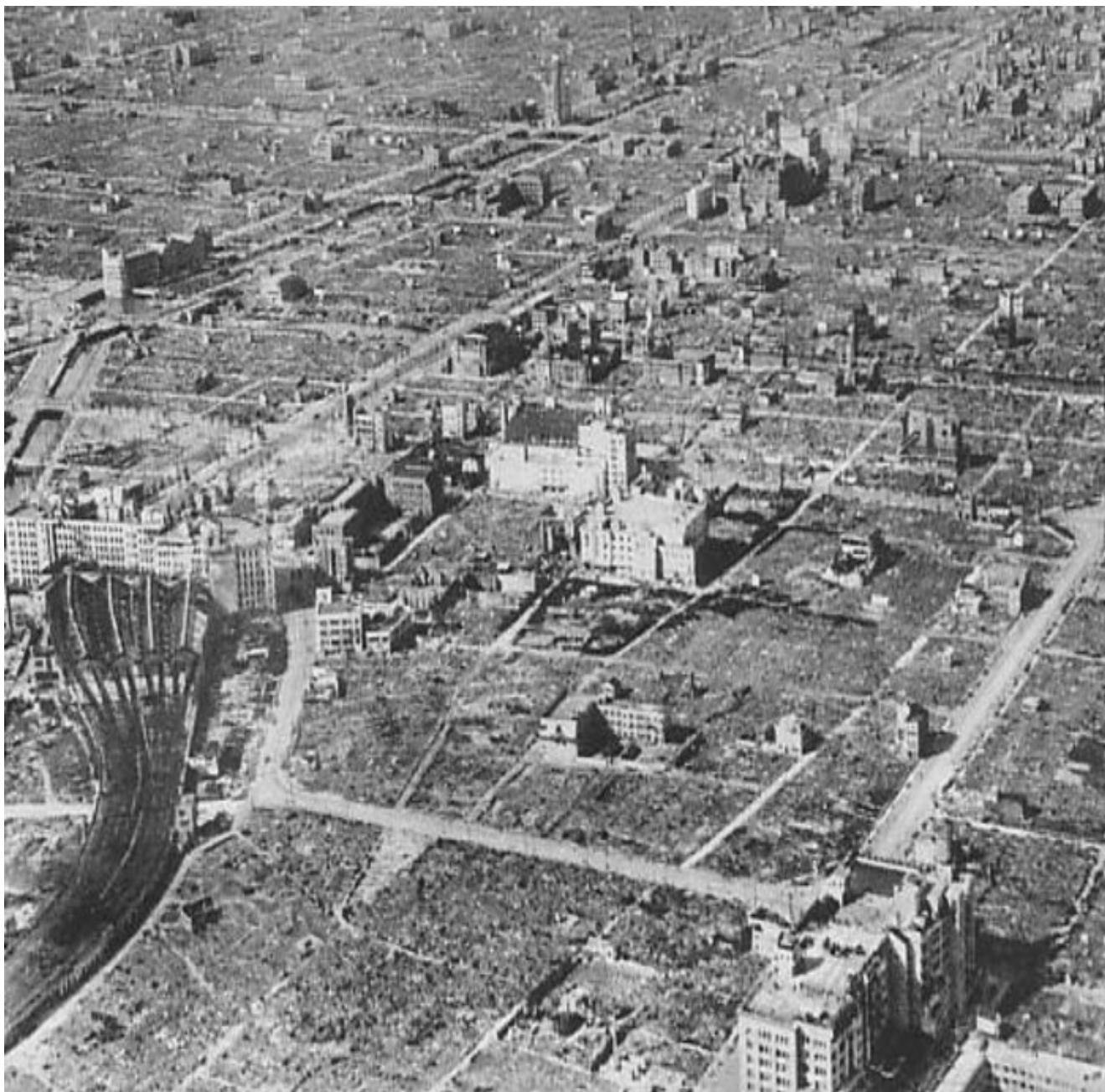
در حال حاضر هیروشیما و ناکازاکی دو شهر پیشرفته کشور ژاپن هستند و میلیونها نفر در این دو شهر زندگی می کنند، در صورتی که به ما گفته بودند آثار بمباران اتمی برای هزاران سال باقی می ماند برای این موضوع چه توضیحی دارند

70 سال است که مردم هیروشیما و ناکازاکی در این دو شهر بدون هیچ مشکلی زندگی می کنند.

در تمام عکسهای هیروشیما و ناکازاکی یک نکته به خوبی مشهود است و انهم اینکه خانه های چوبی و پلاستیکی از بین رفته اند اما ساختمانهایی که از اجر و فلز هستند باقی مانده اند.

عکسهای زیر را ببینید:







The shell of a building stands amid acres of rubble in this view of the Japanese city of Hiroshima, Aug. 8, 1945. (AP Photo/Mitsugi Kishida)



این هم عکس فعلی شهر هیروشیما:



در جنگ جهانی دوم بین شصت تا صد میلیون انسان فقط بر اثر شرایط جنگی کشته شدند

(به غیر از کسانی که در اثر گرسنگی و بیماری درگذشتند و امار آنها معلوم نیست) اما رسانه های جهانی این موضوع را رها کرده و فقط به دویست هزار کشته هیروشیما وناکازاکی اشاره میکنند و هر ساله در ژاپن به یاد آنها یک دقیقه سکوت میکنند و واقعا "مشخص نیست که آنها چگونه کشته شدند. کسی به معنای واقعی و شهودی چیزی ندیده است و اصلا "چرا امریکا بجای مناطق جنگی و ضربه به نیروهای نظامی و ترساندن نظامیان باید دو شهر گمنام و غیرنظامی ژاپن را بمباران اتمی کند و اطلاعات ما در این مورد و سایر موارد، اطلاعات رسانه ای است و رسانه ها هر چیزی را که بخواهند به خورد ملتها می دهند و هالیوود هم که استاد صحنه سازی و تاریخ سازی است .

وجالب است که هیروهِیتو امپراطور ژاپن بعد از این قضایا تا پایان عمرش بر ژاپن حکومت کرد و خود را تازیانه خدا می خواند.

امریکایی ها به قول خودشان اولین آزمایش هسته ای را در سال **1945** انجام دادند و شوروی نیز در سال **1949** یعنی **4** سال بعد از آزمایش امریکا "شوروی در جنگ جهانی دوم به کلی نابود شده بود و علاوه بر جنگ با آلمان دچار جنگ داخلی نیز گردیده بود به طوری که استالین رهبر شوروی برای نابودی مخالفانش از ارسال گندم و سایر مواد غذایی و دارویی به بعضی از استانها خودداری کرد و طبق گفته تاریخ نویسان حدود **10** میلیون نفر فقط در اکران مردند "چطور چنین کشور گرسنه و ویرانی میتواند **4** سال بعد از امریکا که در طی جنگ تقریبا "دست نخورده و سالم مانده بود چنین سلاحی که در آن زمان فوق سری بود بسازد" (در صورت وجود چنین سلاحی)

بیست سال حضور نظامی امریکا در کشور ویتنام که نه نفت و گاز دارد و نه محصول ارزشمند دیگری که به درد امریکا بخورد و به بهای جان ده ها هزار و شاید هم صدها هزار نفر سرباز

امریکایی تمام شد دلیل دیگری بر رد سلاح هسته ای می باشد . چرا که اگر سلاح هسته ای داشت بیست سال طول نمی کشید . امریکا وقتی در توجیه جنگ ویتنام کم آورد به بهانه جلوگیری از نفوذ کمونیسم انرا چند ملیتی کرد و خروجی اینکار باعث بوجود آمدن گروه های خطرناکی همچون خمر های سرخ شد که در کشورهای کامبوج ، لائوس و خود ویتنام میلیونها نفر را قتل عام کردند .

همچنین کودتای سال **91** میلادی شوروی که منجر به فروپاشی این کشور گردید دلیل دیگری بر غیر واقعی بودن ابرقدرتی این کشور بود . کودتایی که به نظر ساختگی می رسید . چرا که در راس این کودتا که معاون رییس جمهور گنادی یانایف ، وزیر دفاع دیمتری یازف و وزیر کشور بوریس پوگو و رییس کا گ ب ولادیمیر کوریوچکوف که قدرتمندترین افراد آن زمان بودند قرار داشتند چطور نتوانستند کنترل اوضاع را بدست بگیرند .

جالب است که در طی کودتا رسانه های غربی و در راس آنها رادیو بی بی سی تمام وقایع و جزئیات را پیوسته گزارش می کردند در روز سوم رسانه ها اعلام کردند که نیروهای ذخیره ارتش که در کنترل کودتاچیان بودند از دستور کودتاچیان تمرد کرده و از مسکو خارج شده و به سمت استالینگراد حرکت کردند و کودتا شکست خورد . چه کسی در شرایط کودتا انقدر قدرت داشت که دستور بازداشت کودتاچیان را صادر کند ان هم بعد از **3** روز . و تکلیف سلاحهای اتمی (در صورت وجود) در شرایط کودتا چه بود و چه کسی کنترل این سلاحها را در اختیار داشت بعد از مدتی نیز کودتاچیان آزاد شدند .

پس نتیجه می گیریم که در شوروی دولت پنهان وجود داشته است و مقامات ذکر شده در ظاهر قدرت داشته اند .

در سال **93** میلادی میخائیل گورباچف رئیس جمهور وقت شوروی که بعد از کودتای ساختگی همکارانش عملاً "قدرتی نداشت و یلتسین امور را کنترل می کرد کاسترو را خائن به بشریت خواند - واعلام این موضوع از سوی گورباچف میتواند اشاره ای به همکاری مخفیانه کاسترو با امریکا در راه انداختن بحران ساختگی وجود **80** موشک اتمی شوروی در خاک کوبا در سال **1962** میلادی باشد که در طی این بحران ساختگی امریکا چند ماه دنیا را در ترس و وحشت نگاه داشت. بعد از این واقعه نیز جان کندی رئیس جمهور امریکا ترور شد.

حقارت‌هایی که به کشور روسیه در سرنگونی جت جنگی اش توسط کشور ضعیفی مثل ترکیه وارد شد نشان از آن دارد که روسیه ابر قدرت نیست و چیزی به نام سلاح هسته ای در اختیار ندارد - چرا که اگر چنین سلاحی داشت به پشتوانه این سلاح باید کشور ترکیه را گوشمالی مناسبی می داد نه اینکه فقط واردات گوجه فرنگی را از ترکیه ممنوع کند - روسیه حتی جرات نکرد و یا اینکه توانایی فنی و نظامی لازم را نداشت که مقابله به مثل کند و یک یا چند هواپیمای ترکیه را سرنگون سازد - ترکیه برای تحقیر بیشتر روسیه اعلام کرد که جت جنگی روسیه **17** ثانیه در آسمان ترکیه بوده و به همین دلیل آنرا سرنگون کرده است.

جدیداً" نیز روسیه قرار است یکی از پیشرفته ترین سامانه های موشکی خود را که **S-400** نام دارد به ترکیه بدهد و این نشان می دهد که حقیقت قضایا ان چیزی نیست که در ظاهر می بینیم و خیلی از دولتها در پشت پرده روابط دیگری دارند و سناریو از قبل نوشته شده است

همچنین خروج ذلت بار شوروی از افغانستان و نداشتن هیچ نقشی در معادلات قدرت در طی جنگ خلیج فارس نشان از ابرقدرت نبودن شوروی داشت

فاجعه عراق و سوریه نتیجه اعتماد احمقانه ملتها به ابرقدرتی شوروی بود که فکر میکردند شوروی توان مداخله دارد اما نمیدانستند که شوروی حتی قادر نیست مشکلات داخلی خودش را حل کند و از عهده مقابله با تعدادی چریک چینی فاقد پشتیبانی هوایی نیز بعد از چند ماه جنگ پر تلفات به سختی بر آمد و هنوز هم از ناحیه آنها مورد تهدید است.

امریکا مدعی است که حدود بیست هزار بمب اتمی در اختیار دارد. آیا این ادعا منطقی است. آیا میتوان به افراد اعتماد کرد و این تعداد بمب اتمی را در صورت وجود در اختیار افراد در پایگاه ها و زیر دریایی ها قرار داد. و این خطر وجود ندارد که ممکن است افرادی تعدادی از این سلاح ها را در اختیار گرفته و بر علیه خود امریکا به کار ببرند و از دولت امریکا اخاذی کنند و خواستار سهمی شدن در قدرت شوند. همانطور که در یک سریال امریکایی (فصل 7 سریال 24) عده ای از امریکایی ها در منطقه ای در 20 کیلومتری واشنگتن به نام استارک وود با در اختیار گرفتن تعدادی موشک شیمیایی و تهدید به حمله به شهرهای امریکا خواستار سهمی شدن در ساختار قدرت و ورود افراد آنها در مراکز تصمیم گیری راهبردی از جمله پنتاگون هستند. که البته همانطور که انتظار می رفت قهرمان سریال موضوع را حل کرد شبیه سازی این موضوع در یک سریال نشان میدهد که اگر چنین سلاح هایی وجود داشته باشد تولید و پخش آنها در مناطق مختلف چقدر خطرناک است و بیشتر از اینکه برای امریکاییها امنیت را به ارمغان بیاورد باعث ایجاد احساس نا امنی میشود.

کلیپ هایی از انفجار گاز مایع در اینترنت وجود دارد که نحوه انفجار آنها با انفجارهایی که اتمی وانمود میشوند کاملاً "شباهت دارد و چه بسا امریکا

چند هزار تن گاز مایع را همراه با هوای فشرده کافی منفجر میکند و انفجار عظیمی رخ میدهد و با استفاده از عدم آگاهی ملتها وانمود میکنند که این انفجار با چندین کیلوگرم اورانیوم غنی شده انجام شده است و متأسفانه مردم دروغهای بزرگ را راحت تر باور میکنند.



با یک جستجوی ساده در اینترنت کلیپ انفجار هفت تن گاز مایع در چین را ببینید و با کلیپ انفجار های اتمی مقایسه کنید تا شباهتها را ببینید.

اوایل مرداد ماه مرداد 1395 نیز یک مخزن بزرگ گاز در 28 کیلومتری بندر گناوه منفجر شد و شدت انفجار به حدی بود که مردم شهر گناوه صدای آن را شنیدند و نیروهای هلال

احمر اعلام کردند که به دلیل دما و حرارت بالا امکان نزدیک شدن تا یک کیلومتری محل انفجار وجود ندارد .

در این محل ها به علت حرارت زیاد ناشی از گاز تا شعاع چندین کیلومتر تمامی گونه های گیاهی وریشه آنها از بین میروود و تا مدتی دیگر در این منطقه گیاهی سبز نمی شود .عکسهایی که در اینترنت قرار گرفت صحنه های بسیار وحشتناکی را نشان می دهد و مخصوصا "در تعدادی از عکسها صحنه های درخشان با رنگهای متنوع اما ترسناک آسمان همان تصویری را تداعی میکند که به عنوان پرتوها و تشعشعات ناشی از انفجار اتمی وانمود میکنند.

امریکا برای باور بیشتر مردم جهان سریال ها و فیلمهای زیادی در موضوع بمب اتم ساخت که بیشترین مانور آنها بر روی سریال 24 می باشد که حدود یک دهه برای ایجاد ترس بیشتر از بمب اتم با این سریال مردم دنیا را سرگرم کردند. سریالی که تماما "خیالبافی و سوپرمین سازی می باشد.و از لحاظ زمانی امکان انجام این همه کار در 24 ساعت وجود ندارد.

در سال 2011 در فوکوشیما ژاپن یک سونامی مشکوک رخ داد و نیروگاه به اصطلاح اتمی ان نیز منفجر شد . اما عملا "هیچ تخریب وحشتناکی توسط این نیروگاه رخ نداد و با ان همه اب و گل روان محیط زیست الوده نشد و ان چیزی که مشابه نیروگاه اتمی چرنوبیل انتظار می رفت رخ نداد و تمام تخریبها توسط همان سیل مشکوک ایجاد شد .شهر فوکوشیما یکی از مهمترین شهرهای اقتصادی ژاپن است که دارای کارخانه های تولید لوازم منزل و کامپیوتر و و اتوموبیل سازی بود که همه آنها در سونامی مشکوک از بین رفت و عملا "رقیب تجاری اروپا و امریکا حد اقل برای چندین سال از صحنه خارج شد.

هم اکنون نیروگاه فوکوشیما بازسازی شده و مردم در همانجا زندگی می کنند.

ایجاد سونامی مصنوعی امکانپذیر است

در واقع نیروگاه هسته ای در کار نیست - موضوع از این قرار است که در هر کجا از کره زمین اگر چاهی عمیق حفر کنیم (بالای سه کیلومتر و در مناطق آتشفشانی در عمق کمتر) کف چاه داغ است - دو چاه حفر میکنند و بین آنها را به طریقی تخریب می کنند تا **U** شکل شود از یک چاه آب میریزند و از چاه دیگر بخار آب با فشار بیرون می آید که با آن توربین ها را به حرکت در میاورند و برق تولید میکنند و برای بازدهی بالا بخار به آب گرم تبدیل شده و مجدداً "به چاه بر میگردد و چرخه تکرار میشود - که به آن انرژی زمین گرمایی میگویند -

برای راحتی کار و بازده بالا نیروگاه ها را نزدیک مناطق آتش فشانی میسازند تا هم چاه با عمق کمتری حفر کنند و هم به مواد مذاب نزدیکتر است و دمای بیشتری به آب داده میشود - و در واقع منظور از انرژی هسته ای و هسته زمین است نه هسته اتم - و ابر قدرتها در این زمینه اطلاعات غلط میدهند -

اگر نیروگاه های هسته ای خطرناکند و برای محیط زیست زیانبارند چرا در مناطق خطرناکی مثل کوه های آتش فشانی ساخته میشوند - در اوایل سال **1395** یک نیروگاه اتمی ژاپن که در نزدیکی کوه آتش فشانی قرار داشت منفجر شد اما هیچ اتفاقی نیفتاد - و همینطور منفجر شدن چند نیروگاه اتمی در امریکا و بلژیک در ماه های اخیر دلالت بر غلط بودن اطلاعات داده شده در مورد این نیروگاه ها میباشد و واقعیت چیز دیگریست - و اگر دقت کنید ابر قدرتها به هر کشوری که خودشان بخواهند اجازه استفاده از انرژی زمین گرمایی را میدهند - چرا که اگر همه کشورها بخواهند از این انرژی عظیم و تمام نشدنی استفاده کنند کنترل کشورهای جهان مخصوصاً "کشورهای جهان سوم از دست آنها خارج میشود -

و خلاصه میکنم که بمب اتم همان اقا گرگه دوران کودکی ماست -

اگر این موضوع لو برود که بمب اتم یک خالی بندی بیشتر نیست و وجود خارجی ندارد
امریکا از درون فرو خواهد پاشید چیزی که ترامپ هم تلویحا" به ان اشاره کرده است
چرا که مردم امریکا تا به حال فکر میکردند که کشورشان یک ابر قدرت است و از اینکه
سالها فریب خورده اند باعث میشود که احساس حقارت کنند و حس بی اعتمادی به دولت
امریکا بوجود می آید و بین انها اختلاف شکل میگیرد.

یکبار ترامپ اعلام کرد که پذیرش برجام منجر به سقوط اقتصاد امریکا خواهد شد و همین نشان می
دهد که در مذاکرات ظاهرا" اتمی دولتها صحبتها و مسائل دیگری مطرح می شود

این نوشته را با سخن وینستون چرچیل نخست وزیر اسبق انگلستان به پایان می برم که:

حقیقت انقدر با ارزش است که باید ان را در حصاری از دروغها پوشاند.

بخش دوم

دلایل علمی دروغ بودن وجود سلاح هسته ای

تناقضات و دروغهای غنی سازی اورانیوم و انفجار هسته ای

برای شروع بحث علمی ابتدا بر اساس گفته های خودشان توضیح مختصری در باره
عناصر رادیو اکتیو و ساختار بمب اتمی خیالی داده می شود:

طبق تعاریفی که در کتابها به ما گفته اند عنصر رادیو اکتیو عنصری است که خود بخود
واپاشیده میشود و به عناصر کوچکتر تجزیه میشود ونحوه واپاشی به این صورت است
که اگر هر تعداد اتم از عنصر رادیواکتیو داشته باشیم نیمی از آنها شروع به تجزیه و
واپاشی نموده و بعد از مدت معینی که به آن نیمه عمر میگویند کاملاً" تجزیه شده و به
عناصر سبکتر تجزیه میشوند سپس از تعداد اتمهای باقیمانده نیمی از اتمها انتخاب
شده و تجزیه میشوند و مجدداً" از اتمهای باقیمانده نیمی دیگر انتخاب شده و انقدر این
فرایند تکرار میشود تا دیگر اتمی باقی نماند

عنصر اورانیم دارای 3 ایزوتوپ طبیعی به شماره های 233, 235 و 238 میباشد که شماره
های 233 و 235 رادیو اکتیوند درصد این ایزوتوپها در یک نمونه به ترتیب 99.3 درصد

شماره 238 و 0.7 درصد شماره 235 میباشد مقدار شماره 233 انقدر ناچیز است که آن را در محاسبات در نظر نمیگیرند

اورانیم مورد نظر برای نیروگاهها و سلاح هسته ای شماره 235 میباشد که طی فرایندی به نام غنی سازی جدا میشود و بسیار وقت گیر و زمانبر میباشد به طوری که برای رسیدن به غلظت بالای 90 درصد که برای بمب اتمی لازم است عمل غنی سازی باید 4000 مرتبه تکرار شود

اساس عمل غنی سازی قانون گراهام میباشد که یک گاز هرچقدر جرم مولکولی کمتری داشته باشد سریعتر حرکت میکند

فلز اورانیم با گاز فلوئور واکنش داده میشود تا به هگزا فلوراید اورانیم تبدیل شود که جامد است اما اگر آن را به دمای 56 درجه برسانیم تبدیل به گاز میشود و بعد این گاز از منافذ بسیار ریز عبور داده میشود که هگزا فلوراید مربوط به ایزوتوپ سبکتر یعنی شماره 235 به علت جرم کمتر سریعتر از منافذ عبور میکند

از یک منبع حاوی هگزا فلوراید اورانیم نیمی از آن از منافذ عبور داده میشود به دو قسمت تقسیم میشود که آن مقداری که از گاز که از منافذ عبور کرده دارای مقدار بیشتری از اورانیم شماره 235 میباشد که آن را انتخاب نموده و همین عمل مجدداً انجام شده و نصف میشود و 4000 بار عمل نصف کردن انجام میشود تا در نهایت غلظت اورانیم شماره 235 به بالای 90 درصد برسد

حال به تجزیه و تحلیل موضوع میپردازیم:

اتمهای یک عنصر با عدد اتمی و عدد جرمی یکسان کاملاً مشابهند و خصوصیات فیزیکی و شیمیایی دقیقاً یکسانی دارند هیچ دلیلی وجود ندارد که تعدادی اتم خودبخود و بدون هیچ مقدمه ای شروع به واپاشی کنند و اتمهای دیگر صبر کنند تا واپاشی ان اتمها تمام شود و بعد تازه اتمهای باقی مانده به دو دسته تقسیم شوند و یک دسته انتخاب شده و شروع به واپاشی کنند و دوباره ان دسته صبر کنند تا نوبت به انها برسد ضمن اینکه همیشه عمل نصف شدن دقیق نیست , یعنی به عنوان مثال اگر 30 اتم داشته باشیم 15 تای ان شروع به واپاشی میکنند و وقتی نوبت 15 تای دیگر شد نمیتواند دقیقاً دو دسته شود و اگر خوشبینانه به دو دسته 7 تایی و 8 تایی تقسیم شوند چه عاملی تعیین میکند که کدام دسته زودتر شروع به واپاشی نماید تا نوبت دسته دیگر شود.

یعنی موضوع نیمه عمر جای سوال دارد چون در اتمها چیزی به عنوان شعور و قدرت تشخیص و انتخاب وجود ندارد.

یک مورد دیگر که درباره نیمه عمر قابل درک نیست این است که ادعا میکنند بوسیله نیمه عمر سن خیلی چیزها را تعیین میکنند مثلاً" میگویند یک موجود تا وقتی زنده است نسبت کربن رادیواکتیو به کربن معمولی ان مقدار ثابت و مشخصی است و وقتی می میرد این نسبت تغییر میکند و از روی تغییر نسبت زمان مرگ ان را مشخص می کنند در صورتی که خاصیت رادیواکتیو موجود زنده و مرده نمیشناسد و مستقل از حیات موجودات عمل میکند و در عین حال هیچگاه نمیتوان از روی نسبتها سن چیزی را تعیین کرد , حتماً" باید برای بدست آوردن سن باید برای حل معادلات مربوط به نسبتها , جرم اولیه و یا یک معادله جرمی شامل جرم اولیه معلوم باشد.

وقتی میخواهند از روی یک تکه استخوان سن موجود زنده را تعیین کنند از کجا مشخص میکنند جرم اولیه ماده رادیواکتیو موجود در استخوان چقدر بوده که حالا این مقدارش باقی مانده و سن آن را اعلام میکنند

پس اعدادی را که اعلام میکنند من در آوردی است

مثل اینکه بگوییم نسبت سن علی به رضا 2 است ، سن هر کدام چقدر است تا یک رابطه سنی دیگر مشخص نباشد نمیتوان سن آنها را مشخص نمود و مسأله بینهایت جواب دارد.

نیمه عمر اورانیم را حدود 4.5 میلیارد سال بر آورد کرده اند و بنا بر مطالب کتابهایشان برای تعیین نیمه عمر یک عنصر رادیواکتیو باید مقدار مشخص از آن را وزن نماییم و در شرایط کاملاً ایزوله در یک بازه زمانی مناسب نگهداری نماییم و پس از طی بازه زمانی مقدار باقی مانده آن را وزن نموده و زمان نیمه عمر را بدست آوریم

4.5 میلیارد سال عدد بسیار بزرگی است اگر ما بر روی مقداری از اورانیم عملیات تعیین نیمه عمر را انجام دهیم به علت بالا بودن زمان نیمه عمر عملاً تغییری در وزن آن در بازه های زمانی حتی چند ماهه نخواهیم دید چون با توجه به زمان نیمه عمر بالای اورانیم مقدار واپاشی شده انقدر ناچیز است که ترازوها قادر به نشان دادن این مقادیر نیستند و یا دقت مناسبی ندارند

اصلاً چرا زمان نیمه عمر ها تا این حد متفاوتند که بعضی ها در حد میلیارد سال و بعضی در حد کسری از ثانیه اعلام شده و همیشه در انحصار ابرقدرتهاست و مردم عادی امکان دسترسی و بررسی به این موارد را ندارند تا صحت و سقم این موضوعات معلوم شود.

در ضمن تمام آزمایشگاههای تعیین سن اجسام در کشورهای اروپایی و امریکاییست.

طبق محاسبات در مورد غنی سازی 4000 بار عمل نصف کردن لازم است که غیر ممکن است. ما حتی اگر یک محموله یک میلیون تنی یعنی یک میلیارد کیلوگرم را 30 دفعه هم نصف کنیم، تقریباً یک کیلوگرم آن باقی میماند محاسبه کنید و عدد یک میلیارد را 30 بار بر 2 تقسیم کنید تقریباً یک خواهد شد اگر 4000 مرتبه بر 2 تقسیم کنید حتی یک اتم هم باقی نمیماند

پس با فرایند نصف کردنهای متوالی نمیتوان به نتیجه رسید و محدودیت داریم و در ضمن انجام 4000 بار کار متوالی زمان بسیار زیادی را میطلبد که این یکی را دیگر بررسی نمیکنیم

سانتریفوژ ابزاری است که برای جدا سازی ذرات معلق در مایعات بکار می رود بدین صورت که دارای ظرفهایی است مایعات را درون آنها میریزند و با سرعت به دور خود می چرخند و در اثر نیروی گریز از مرکز ذرات جامد در ته ظرف رسوب می کنند و آنها را جدا میکنند

در فرایند غنی سازی اورانیم صحبت از غنی سازی گاز هگزا فلوراید اورانیم توسط سانتریفوژ میباشد و اصلاً در مورد گازها سانتریفوژ معنایی ندارد سانتریفوژ فقط محتص مایعات می باشد

در جاهایی که چاه زمین گرمایی حفر میکنند باید هزاران تن خاک را از چاه خارج کنند و در اعماق پایین چاه اکثراً ترکیبات گوگردی و نیتراتی و امونیاکی است که زرد رنگ هستند و ممکن است همان چیزی را که به عنوان کیک زرد به ما معرفی می کنند همین

حاکها باشند و وقتی از چاه بیرون کشیده میشوند نمیتوان این خاکها را بر روی سطح زمین رها کرد چون توسط باد و طوفان در محیط زیست پراکنده میشوند و برای موجودات زنده مضرند و مخصوصاً باعث بروز بیماریهای تنفسی و گوارشی میشوند

این خاکها باید در یک مکان امن دفن شوند که معمولاً در چاه های نفت خشک شده میریزند و به ما وانمود میکنند که زباله های هسته ای را به دلیل داشتن پرتوها و تشعشعات مضر به داخل این چاه ها میریزند . در صورتی که اگر زباله هسته ای به معنای واقعی وجود داشته باشد باید از انرژی تشعشعات آن مجدداً استفاده شود نه اینکه آن را دور بریزند.

حال به بررسی بمب اتم میپردازیم:

ساختار بمب اتم به این شکل عنوان شده است که عنصر اورانیوم این خاصیت را دارد که هر اتم آن وقتی یک نوترون به آن برخورد میکند شکافته میشود مقداری انرژی و 2 یا 3 نوترون آزاد میکند که نوترونهای آزاد شده به اتمهای دیگر برخورد کرده و باز هر کدام مقداری انرژی و 2 یا 3 نوترون آزاد میکنند و این واکنشها به صورت زنجیره ای ادامه پیدا میکند و در کسر بسیار کوچکی از ثانیه میلیاردها میلیارد اتم اورانیوم انرژی خود را آزاد میکنند که انرژی هسته ای نام دارد در واقع مدعی هستند مقدار انرژی را که اورانیوم در مدت 4.5 میلیارد سال آزاد میکند در کسری از ثانیه آزاد میکنند یعنی اگر 10 کیلو گرم اورانیوم شماره 235 داشته باشیم در طی 4.5 میلیارد سال 5 کیلو گرم آن به انرژی تبدیل میشود در بمب اتمی این مقدار انرژی را در کسر بسیار کوچکی از ثانیه آزاد می کنند

طبق معادله مشهور انیشتین یعنی $E=MC^2$ نوع عنصر نقشی ندارد و فقط مقدار جرم مهم است

پس اگر 10 کیلو گرم عنصری با نیمه عمر کم مثلاً "یک ساعت داشته باشیم چون زمان نیمه عمر کوتاه است و طی یک ساعت 5 کیلو گرم آن به انرژی تبدیل می شود می تواند در حد یک بمب اتمی متوسط ویرانگر باشد و حتی مقادیر کوچک آن نیز ویرانگر است چون طبق معادله تبدیل جرم به انرژی انیشتین مقدار انرژی ناشی از تبدیل یک گرم نیز مقدار بسیار زیادی است طبق گفته خودشان هر شکافت هسته ای 2 یا 3 نوترون آزاد میکند پس اگر توده ای اورانیم موجود باشد باید خودبخود منفجر گردد چون نیمی از اتمها خود بخود در حال شکافتند و همیشه حداقل هزاران میلیارد نوترون در درون توده اورانیم در دسترس میباشد

هرچند عنوان میکنند که توده اورانیم را به چند قسمت تقسیم میکنند تا از حالت جرم بحرانی خارج شود و سیستمی را طراحی کرده اند که موقع انفجار قطعات به هم می چسبند

اما موضوع این است که چون یک بمب اتم که معمولاً به صورت کلاهک روی موشکها سوارند کاملاً ایزوله بوده و نیمی از اتمهای اورانیم هم مدام در حال تولید گرما و پرتوها و تشعشعات رادیواکتیو هستند که بعد از مدتی درون بمب اتم انقدر داغ میشود که یا بمب را منفجر میکند و یا از کار می اندازد چون گرما و پرتوها مدارات درون بمب را از بین میبرد

اصلاً اگر این بمبها اینقدر خطرناکند چرا اسرار ساخت آن را فاش کردند و با ذکر تمام جزئیات به بقیه دنیا اعلام کردند هیچ عاقلی این کار را نمی کند مگر اینکه نیرنگ و حيله ای در کار باشد تعدادی عکس به همراه این مقاله ارسال شده که اگر دقت کنید در تمام انفجارات به اصطلاح اتمی یک چیز مشترک است و آن اینکه در قسمت قارچی شکل انفجار، ماده ای در حال سوختن است که همانطور که در اولین مقاله عنوان شد انفجار

اتمی چیزی جز یک انفجار گازی در مقیاس بالا نیست و آن چیزی که در داخل قسمت قارچی شکل در حال سوختن است همان گاز مورد استفاده می باشد و هرچه مقدار گاز بیشتر باشد تا ارتفاع بالاتری میرود و قارچ بزرگتری تولید میکند اگر انفجار را در خشکی انجام دهند صدها

تن اهنک، گچ، پودر الومینا و موادی از این قبیل با آن مخلوط میکنند تا آتش گاز را بپوشاند و مخفی کند

و برای توجیه این پودرهای سفید رنگ اعلام میکنند که اورانیم به عناصر سبکتر تجزیه شده است میدانید که گچ و اهنک ترکیبات کلسیم هستند اما کل اورانیمی که مورد استفاده قرار میگیرد طبق گفته خودشان بین شصت تا صد کیلو گرم میباشد و این همه پودر سفید رنگ نمیتواند با این مقدار اورانیم تولید گردد ضمناً انجام آزمایش در خشکی باعث ایجاد طوفان شدید و ایجاد ریزگردها و زلزله شدید می شود

اکثراً این آزمایشها را در زیر آب انجام میدهند به دو دلیل:

اول اینکه در زیر آب صدای انفجار تا حدود زیادی خفه میشود و کمتر شک برانگیز میشود که این صدا ناشی از چیست چون صدای مهیب در انفجارات شیمیایی مثل تی ان تی و سایر مواد منفجره رخ میدهد

دوم اینکه وقتی چند هزار تن گاز مایع که با هوای فشرده کافی در زیر آب منفجر شود مقدار زیادی آب را بخار میکند که با سرعت بالا آمده و بدون نیاز به افزودنی ها مثل گچ یا اهنک قارچ سفید رنگ تشکیل میگردد

دلیل تشکیل قارچ این است که در ارتفاع بالا فشار هوا کمتر است و گاز منبسط شده وکروی میشود

البته انجام آزمایش در زیر آب باعث میشود که موج انفجار تا حدود زیادی توسط آب خنثی شود و از ایجاد زلزله در خشکی جلوگیری کند و تنها پس لرزه های خفیفی رخ میدهد

زمانی که چند هزار تن گاز در زیر آب منفجر میشود در ابتدا ده ها هزار تن آب به بالا پرتاب میشود که در این فاصله آب از سمت ساحل به سوی دریا کشیده میشود و بعد دوباره آب با شدت به پایین برمیگردند که باعث میشود موج عظیمی از آب با سرعت سرسام آور و وحشتناکی به سمت ساحل حرکت کند و ایجاد سونامی کند

در مورد بمب هیدروژنی اشکالات اساسی بیشتری در صحبت هایشان وجود دارد به این شکل که میگویند بمب اتمی فقط چاشنی بمب هیدروژنی است که باید دما را به سیصد میلیون درجه سانتی گراد برساند تا بمب هیدروژنی منفجر شود ان هم چند ثانیه بعد از انفجار اتمی اول اینکه در بمب هیدروژنی نه تنها جرمی به انرژی تبدیل نمیشود بلکه به قول خودشان هسته های سبک به هم می چسبند و جرم بزرگتری ایجاد میشود و به اصطلاح همجوشی صورت می گیرد و در ظاهر محاسبات نشان میدهد که باید از بمب اتمی قدرت کمتری داشته باشد که برای دلیل قویتر بودن ان توجیه مسخره ای می آورند بعد در دمای سیصد میلیون درجه در ان واحد همه چیز به بخار تبدیل می شود و فرصت هیچ عملیات دیگری نیست ظاهرا "بمب هیدروژنی انفجار گازی دیگری است که به جای گاز مایع طبیعی از هیدروژن مایع استفاده

می شود و چون گاز هیدروژن نسبت به گاز مایع طبیعی قدرت آتشگیری و انفجاری بیشتری دارد قدرت تخریب بیشتری دارد

در مورد بمب اتمی تزار که ادعا میکنند معادل 100 میلیون تن، تی ان تی قدرت داشته است یک سری سؤال پیش می آید. بنا بر اظهارات خودشان بمب هیروشیما دارای 60 کیلو گرم اورانیوم غنی شده بود که بنا به گفته خودشان 5 درصد آن یعنی 3 کیلو گرم آن به انرژی تبدیل شد و قدرت این بمب 15 هزار تن، تی ان تی بود پس هر 3 کیلو گرم اورانیوم معادل

15 هزار تن، تی ان تی می باشد در بهترین حالت راندمان انفجار 20 درصد می باشد پس برای بمب 100 مگاتنی باید چیزی حدود 400000 کیلو گرم اورانیوم به انرژی تبدیل شود. بعد در یکی از کتابهایشان گفته اند جرم بحرانی 3 الی 4 کیلو گرم است یعنی باید اورانیوم بمب تزار به حد اقل 100000 قطعه تبدیل شود تا خودبخود منفجر نشود و این 100000 قطعه باید در هنگام انفجار به هم بچسبند که از هر نظر بررسی شود معقول نیست چه سیستمی بسازند که 100000 قطعه اورانیوم را در کسری از ثانیه در هنگام انفجار به هم بچسباند و چطور آن را حمل و مدیریت کنند.

در چند تا از کلیپها این موضوعات سؤال برانگیزی به وضوح قابل مشاهده است در کلیپی دیگر تعدادی سرباز و درجه دار با یک توپ جنگی یک گلوله اتمی را پرتاب میکنند که در فاصله نه چندان دوری از آنها منفجر میشود که سوال برانگیز است

در یکی از کلیپها عده ای بدون دغدغه و خیلی خونسرد در حال فیلمبرداری از صحنه انفجار اتمی هستند که این موضوع سوالاتی را ایجاد میکند که پس آن همه خطراتی اعم از تشعشعات، موج و گرما که عنوان میکردند چه میشود

در کلیپ انفجار هفت تن گاز مایع در چین قارچی شبیه قارج ناشی از بمب اتم ایجاد شده است و خیلی مخوف و وحشتناک به نظر میرسد و حتی نحوه چرخش قسمت قارچی شکل آن شبیه چرخش قارج به اصطلاح اتمی است حال تصور کنید اگر به جای هفت تن ، مقدار گاز هزار تن و یا بیشتر باشد چه عظمتی دارد و چقدر ویرانگرتر است در این کلیپ در ابتدای انفجار مخزن هفت تنی ، آتش تا شعاع دهها متر را میسوزاند سپس جمع شده وهمچون قارج اتمی بالا میرود و پرتوهای نورانی در دهها متر دورتر از آتش در کلیپ به وضوح معلوم است اگر در شعاع آتش ایجاد شده افراد تخلیه نشده بودند انتظار دهها هزار کشته میرفت و کسانی که در معرض پرتوهای نورانی بعد از شعاع آتش قرار بگیرند دچار سوختگیهای وحشتناک میشوند که اگر قرار بر حقه بازی باشد میتوان وانمود کرد که این افراد با اشعه گاما ویا پرتوهای رادیواکتیو دیگر دچار سوختگی شده اند

اصلاً انرژی چیزی نیست که به صورت مجرد و خالص دیده شود بلکه همراه با ماده ظاهر میشود اگر راست میگویند به ما توضیح دهند جنس قارج اتمی سفید رنگ از چیست و در آخر چه سرنوشتی پیدا میکند

ما در واقع سوختن یک ماده را میبینیم و انرژی قابل دیدن نیست

در تمامی انفجارات ظاهر " اتمی چه به صورت عکس و چه به صورت فیلم در قسمت قارچی شکل ماده ای در حال سوختن است که همان گاز مورد اشاره است .

عکسها را ببینید :



مورد دیگری که جای سوال دارد انرژی خورشید است دانشمندان اعلام کرده اند که در هر ثانیه حدود پنج میلیون تن ماده به انرژی تبدیل میشود که اگر هر پنج کیلوگرم آن را یک بمب اتمی با کارایی صد در صد در نظر بگیریم معنای آن اینست که در هر ثانیه یک میلیارد بمب اتمی بسیار قوی منفجر میشود و اگر در بیست و چهار ساعت در نظر بگیریم تعداد 86400000000000 (هشتاد و شش هزار و چهارصد میلیارد) عدد بمب اتمی در شبانه روز در خورشید منفجر میشود که این تعداد نه تنها باید خورشید را نابود کند بلکه باید تمام منظومه شمسی را آتش بزند که عملاً چنین اتفاقی نمی افتد و حتی کوچکترین اخلالی در نظم کار خورشید رخ نمیدهد

یعنی فرایند تولید انرژی خورشید آن چیزی که میگویند نیست یا هنوز ناشناخته است و یا اطلاعات نادرست به ما میدهند و الا بعد از میلیارد ها سال که از عمر خورشید می گذرد با این همه انفجار قوی باید خورشید نابود شده باشد

برای مهم کردن موضوع بمب اتم دهها ادم عجیب و غریب را با اسامی پر ابهت و نسبت دادن کشفیات و معادلاتی به آنها به جامعه معرفی کردند , مثل البرت انیشتین با آن موهای ژولیده ویا رابرت اوپنهاইمر و ورنر هایزنبرگ و همچنین اروین شرودینگر.

یک معادله معروف در فیزیک اتمی وجود دارد به نام معادله شرودینگر که بدون آنکه بگویند از کجا آمده و راهی برای اثبات آن ارایه دهند آن را در کتابهایی به نام های فیزیک کوانتوم یا شیمی کوانتوم و یا مکانیک کوانتوم عنوان میکنند و هیچ مفهوم قابل درکی ندارد و خود ارایه دهندگان این معادله به این موضوع اذعان دارند که تابع موج Ψ هیچ مفهوم فیزیکی ندارد ولی می گویند توان دوم آن احتمال حضور الکترون را نشان میدهد

که ان هم هیچ معنایی ندارد چون بعد از مدتی این معادله هم با تناقضاتی برخورد می کند و نظریه دیگری به نام نظریه موج-ذره بوجود آمد که ان هم اشکالات خاص خودش را دارد

این معادله شرودینگر هیچ جا به جز در مورد هیدروژن ان هم با صرف نظر از هامیلتونیان هسته قابل حل نیست و در موارد خاصی با روشهای من درآوردی مثل تابع آزمایشی با ضرایب نامعین و یا روش اختلال جوابهایی بر حسب پارامتر دیگری به نام تابع Φ بدست می آورند که هیچ ارزش محاسباتی نداشته و تماما " سر کاری بوده و باعث اشفستگی و خستگی مغز میشود.

فیزیک دانان و شیمی دانان هر جا در توجیه پدیده ها کم بیاورند خیلی سریع به تابع موج و معادله شرودینگر چنگ میزنند و با اینکه هیچکدامشان قادر نیست حتی یکی از معادلات شرودینگر را حل کند طوری با اب و تاب و حرارت صحبت میکنند که گویا خدای علمند و راه حل در معادله شرودینگر است و آنها ان را میدانند.

دلیل دیگری که بهتر بود در مقاله مربوط به دلایل سیاسی می آوردم اما اینجا می اورم این است که در سال 2017 میلادی 80 نفر از دانشمندان هسته ای امریکا در نامه ای به ترامپ رییس جمهور امریکا خواستار ان شدند که توافق هسته ای با ایران را حفظ کند

چه عاملی باعث شد که تعدادی دانشمند اتمی چنین درخواستی از دولت امریکا بکنند این عامل چیزی نیست جز اینکه منافع این به اصطلاح دانشمندان در خطر است . در واقع همه انسانها وقتی منافعشان در خطر قرار بگیرد واکنش نشان میدهند مثلاً " کارگران در تغییرات کارخانه ها و تعدیل نیرو , کشاورزان در کاهش بارندگی و بروز خشکسالی و تجار در رکود بازار و کاهش قدرت خرید مردم .

اصولا" سیاستمداران و دولتمردان به دانشمندان به عنوان ابزاری نگاه میکنند که باید در راستای منافع آنها عمل کنند و هیچ نقشی در سیاستها و تصمیم گیریها ندارند

سیاستمداران انقدر مغرور و از خود راضی هستند که به کسی اجازه اظهار نظر نمیدهند و جز نظر و دیدگاه خودشان نظر و دیدگاه هیچ شخص یا گروه دیگری را قبول ندارند .

حتی در شرکتهای معمولی هم کارفرمایان اجازه نمی دهند که مهندسین خودسرانه جمع شوند و بیانیه صادر کنند ان هم در باره مسائلی که به آنها مربوط نیست انوقت در کشور امریکا 80 نفر دانشمند به اصطلاح اتمی با هم جلسه بگذارند و بیانیه صادر کنند ان هم درمورد موضوعی که به آنها مربوط نیست و اصلا" دانشمند هسته ای امریکا از کجا میداند ایران کجاست و در صنعت هسته ای چه وضعیتی دارد؟

این مسئله فقط به نهادهای امنیتی و سیاسی امریکا مربوط می شود و آنها در تصمیم گیریهایشان نه نظر کسی را می پرسند و نه اصلا" به حرف یا توصیه کسی گوش می دهند انطور که منافع و مصالحشان اقتضا کند عمل می کنند

چرا در 70 سال پیش که مثلا" شوروی ، چین ،هند و کشورهای اروپایی و به دنبال بمب اتمی بودند هیچ اقدامی نمی شد . ان موقع که هیچکس از این سلاحها نداشت تا بتواند با امریکا مقابله کند.

در هر اداره ، سازمان یا شرکتهای صنعتی کارفرمایان و مدیران از اینکه کارکنانشان یکدست و متحد باشند نه تنها خوششان نمی آید بلکه از این موضوع واهمه دارند چون یکدستی نیروها میتواند به روند کار لطمه بزند و با تحت فشار قرار دادن کارفرما تقاضای حقوق بیشتر نمایند بنا بر این همیشه کلی هزینه میکنند تا بین نیروها تفرقه بیندازند و حتی هنگام استخدام نیروها افرادی را نیز استخدام میکنند تا بتوانند جو خفقان و ترس ایجاد کنند.

این افراد در سازمانی که کار میکنند به گونه ای عمل میکنند که همیشه یک جو بی اعتمادی بین نیروهای آن سازمان حاکم شود و کارفرمایان و مدیران هوای این افراد را دارند و حقوق و مزایای خوبی به آنها می دهند و تا زمانی که بتوانند جو خفقان و بی اعتمادی را در سیستم حفظ کنند از حمایت کارفرمایان و مدیران و حقوق و مزایای عالی برخوردارند و اگر زمانی نتوانند این فضا را حفظ کنند بی ارزش میشوند و دیگر به آنها حقوق و مزایای عالی نمی دهند.

در مورد دانشمندان هسته ای موضوع مشابهی برقرار است دولت امریکا افرادی را به عنوان دانشمند اتمی استخدام نموده که کار آنها این است که یک ژست عجیب و غریب به خود بگیرند و موضوعاتی از قبیل انرژی هسته ای ، بمب نوترونی و را واقعی جلوه دهند و ترس و وحشت از بمب اتم و دیگر موضوعات دروغین را پیوسته در دنیا ایجاد کنند یکی ابروی پرپشت میگذارد و هنگام مطالعه با دست ابروهایش را بالا می آورد یکی جلوی تخته سیاه می ایستد و در پشت سرش بر روی تخته سیاه چند عبارت و معادله ریاضی نوشته و بجای نمادهای متداول ریاضی از حروف پیچ و خم دار یونانی استفاده میکند تا موضوع را پیچیده تر و با ابهت تر نشان دهد دیگری با یک قیافه کج و معوج و با حالت عصبی خود را در حال مطالعه و انجام محاسبات پیچیده نشان میدهد و ای هم قیافه متفکرانه ای به خود گرفته اند و خود را مشغول کار با دستگاههای عجیب و غریب نشان میدهند.

این دانشمندان عجیب و غریب از زندگی و امکانات خوبی برخوردار هستند حال اگر دروغ بودن سلاح هسته ای فاش شود این افراد بی ارزش می شوند و دولت امریکا دیگر به آنها بهایی نمیدهد و از زندگی و مزایای عالی محروم می شوند و چون هیچ کاری بلد

نیستند باید بروند در مکانهای عمومی مثل بازار و ترمینالها کفش مردم را واکنس بزنند تا لقمه نانی گیرشان بیاید

پس دانشمندان هسته ای امریکا نگران منافع خود و زندگی راحت و مفت خوریشان هستند نه نگران امنیت جهان

در مورد آزمایشهای کره شمالی نیز رفتار سیاستمداران دو کشور مشکوک و سؤال بر انگیز است

قبلاً "طوری از خطرات و ویرانگری بمب اتمی صحبت میکردند که اگر کشوری بتواند به بمب اتمی دست پیدا کند آن کشور به یک قدرت اتمی تبدیل میشود اما کاخ سفید اعلام کرده که کره شمالی که اخیراً "چند آزمایش به اصطلاح اتمی را انجام داده را به عنوان قدرت اتمی به رسمیت نمیشناسد و این نشان دهنده این است که امریکا که خود این قضیه دروغین را بوجود آورد نمیگذارد کره شمالی با ترفند خود امریکاییها از آنها اخاذی کند و حتی ممکن است امریکا با دولت کره همدست باشد و بخواهد با این شیوه تلاش دیگری برای ترساندن مردم دنیا انجام دهد کره شمالی انقدر اوضاع اسفباری دارد که هر ساله اتحادیه اروپا مقداری از ذرت هایی را که به چهارپایانشان میدهند به عنوان کمکهای انسان دوستانه برای مردم کره شمالی می فرستند تا از گرسنگی نمیرند

مورد دیگر که جا دارد به آن اشاره شود مؤسسه تحقیقاتی سرن می باشد در این مرکز تحقیقات فیزیک هسته ای و ذرات بنیادی که مهمترین هدف آن "کشف رازهای مبدا جهان" تعریف شده است هم اینک بیش از 3000 فیزیکدان و مهندس بعنوان کارکنان مقیم در زمینه های مختلف نظری و آزمایشگاهی مشغول بکار هستند در سرن همچنین

بیش از 6500 دانشمند از 500 دانشگاه از 80 کشور دنیا بصورت بازدیدهای کوتاه مدت به سرن می آیند

این مرکز تحقیقاتی در واقع یک سیم پیچ بسیار بزرگ است که طول این سیم پیچ 27 کیلو متر میباشد که به صورت دایره ای ساخته شده است این سیم پیچ در بستری از هلیوم مایع در دمای 270 درجه سانتی گراد زیر صفر قرار داده شده تا با استفاده از خاصیت ابررسانایی یک میدان مغناطیسی بسیار قوی ایجاد کنند و هیچ خاصیت دیگری ندارد

و هدف از ساخت ان این بود که می خواستند در میدان مغناطیس بسیار قوی پروتونها را با هم برخورد دهند تا به قول خودشان علت بوجود آمدن جهان و پدیده حیات را کشف کنند

تا به حال هیچ نتیجه ای از آزمایشهایشان نگرفته اند و مهندسین و سایر کارکنان مؤسسه فقط منتظرند تا موقع صبحانه، نهار و شام برسد و غذاها و میوه های متنوعی که مردم عادی در خواب هم نمی بینند را برایشان بیاورند بقیه اوقات را هم به تفریح و علایق شخصی می پردازند کمی به خودتان زحمت دهید و عکسهایی که در اینترنت مربوط به رستوران مؤسسه سرن است را ببینید

بعد از اینکه از این سیم پیچ نتیجه ای نگرفتند برای اینکه زیر سؤال نروند پیشنهاد داده اند که سیم پیچی با طول 100 کیلومتر بسازند تا بر طبق نظر پرفسور هیگز پدیده مه بانگ را در ان سیم پیچ ایجاد کنند و ذره هیگز را در انجا به دام اندازند که طبق محاسبات خودشان حدود 30 سال طول می کشد یعنی 30 سال دیگر به اسم دانشمند و محقق باز هم از این امکانات راحت استفاده کنند و بیشتر ملتها را غارت و چپاول کنند.

با ارزی امدن روزی که این شبیح دروغین از زندگی بشر خارج شود

موفق باشید

همچنین کلیپهای زیر را ببینید

<http://www.aparat.com/v/03Ozb>

<http://www.aparat.com/v/nR538>

<http://www.aparat.com/v/Mp5Zf>

<http://www.aparat.com/v/mVbK0>

تاریخ نگاشته می شود تا نشان دهد که
افسانه بی پایه است اما افسانه خیلی
زود جای تاریخ را می گیرد چون
دلفریب تر است